



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

اصول مرتبط با قوه قضائیه

اصل یکصد و دهم:

وظایف و اختیارات رهبر:

8. نصب و عزل و قبول استعفاي :

ب - عالیترین مقام قوه قضائیه.

فصل یازدهم: قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و هشتم:

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

1. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.
2. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
3. نظارت بر حسن اجرای قوانین .
4. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام .
5. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم:

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری يك نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم:

وظایف رئیس رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

1. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و پنجاه و ششم.
2. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.
3. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم:

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم:

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند انتخاب می گردد. رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.

اصل یکصد و شصت و یکم:

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند تشکیل می گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم:

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

اصل یکصد و شصت و سوم:

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم:

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم:

محاكمات، علني انجام مي شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخيص دادگاه، علني بودن آن منافي عفت عمومي يا نظم عمومي باشد يا در دعاوي خصوصي طرفين دعوا تقاضا کنند که محاکمه علني نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم:

احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولي باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم:

قاضي موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانين مدونه بيايد و اگر نيابد با استناد به منابع معتبر اسلامي يا فتاواي معتبر، حکم قضيه را صادر نمايد و نمي تواند به بهانه سکوت يا نقص يا اجمال يا تعارض قوانين مدونه از رسيدگي به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم:

رسيدگي به جرايم سياسي و مطبوعاتي علني است و با حضور هيأت منصفه در محاکم دادگستري صورت مي گيرد. نحوه انتخاب، شرايط، اختيارات هيأت منصفه و تعريف جرم سياسي را قانون بر اساس موازين اسلامي معين مي کند.

اصل یکصد و شصت و نهم:

هيچ فعلي يا ترك فعلي به استناد قانوني که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمي شود.

اصل یکصد و هفتادم:

قضات دادگاه ها مکلفند از اجراي تصويب نامه ها و آيين نامه هاي دولتي که مخالف با قوانين و مقررات اسلامي يا خارج از حدود اختيارات قوه مجريه است خودداري کنند و هر کس مي تواند ابطال اين گونه مقررات را از ديوان عدالت اداري تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم:

هر گاه در اثر تفسير يا اشتباه قاضي در موضوع يا در حکم يا در تطبيق حکم بر مورد خاص، ضرر مادي يا معنوي متوجه کسي گردد، در صورت تقصير، مقصر طبق موازين اسلامي ضامن است و در غير اين صورت خسارت به وسيله دولت جبران مي شود، و در هر حال از متهم اعاده حيثيت مي گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم:

براي رسيدگي به جرايم مربوط به وظيفات خاص نظامي يا انتظامي اعضاء ارتش، ژاندارمري، شهرباني و سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، محاکم نظامي مطابق قانون تشکيل مي گردد، ولي به جرايم عمومي آنان يا جرايمي که در مقام ضابط دادگستري مرتكب شوند در محاکم عمومي رسيدگي مي شود. دادستاني و دادگاه هاي نظامي، بخشي از قوه قضائيه کشور و مشمول اصول مربوط به اين قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم:

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام "دیوان عدالت اداری" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم :

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند.

منبع : [سایت شورای نگهبان قانون اساسی](#)



[برگشت به سایت حقوق اساسی](#)



[مراجعه به بخش فارسی سایت جمهوری اسلامی ایران، توسعه اقتصادی و پایدار آن](#)



[مراجعه به بخش فهرست مطالب فارسی سایت](#)

[نگرشی نو به توسعه حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و اجرایی پایدار](#)

